



۲۰۱۶/۰۷/۲۹

ملالی موسی نظام

آبدات تاریخی افغانستان، به ملت آن متعلق می باشد به ارتباط موضوع تغییر اسم منار تاریخی عبدالوکیل خان



حادثه بم گزاری و کشتاری که اخیراً در حوالی منطقه دهمزنگ شهر کابل رخ داد و منجر به شهادت ۸۱ تن از هموطنان مظاهره چی و سیل بینان - اکثراً جوانان و بیشتر از صد نفر زخمیانی که عاقبت بهبودی شان با شریط نا مساعد، به خداوند معلوم است گردید، در حقیقت یک عزای عمومی در مملکت ما تلقی شده می تواند که گروه آدم کشان حرفوی داعش افتخار «!» اجرای آن را بر عهده گرفته است. این حوادث غیر قابل پیش بینی مرگبار در سر تا سر جهان و بیشتر در شرق میانه و مملکت ما که با غم و ماتم، خون و آتش، روز افزون می باشد، ایجاب یک همراهی، همکاری و وحدت ملی همه اقوام شریف افغانستان را می نماید که تحت نام برازنده «ملت افغان» مالک این سرزمین اند.

حال اگر در شرائطی که مملکت و مردم آن خود دهه هاست که با دسانس و تجاوزات خارجی و اغماض و تقلب کاری های وابستگان به دشمنان این خاک، در مصائب و بدبختی های گوناگون مبتلا است؛ آیا شایسته خواهد بود که با تحریک این و اغراض آن و به بهانه های گوناگون، آتش بیشتری در خانه خود بیفروزیم؟ پروژه امتداد برق از آسیای مرکزی به یک شکل تخنیکی که ایجاب مصارف و امکانات خاصی را در یک بودجه معین می نماید، وقتی میتواند مورد سوال قرار بگیرد که مثلاً در ولایت مورد بحث «بامیان» سهمی از استعمال

انرژی برق به نحوی مضایقه صورت بگیرد، در غیر آن صلاح مملکت خویش خسروان دانند. امروز در افغانستان جوانان ونسلی که آینده مملکت به آنان، منحیث صاحبان اصلی این مرز و بوم متعلق می باشد، شایسته است که چنین مسائل حادی را جدی گرفته و با مذاکرات و تبادل نظر از طریق وکلای خود ها با استدلال و روشنی اندازی و با صلح و سازش معامله نمایند، نه با تحریک این و آن.

در افغانستان با وجودی که تقریباً دو سالی از انتخاب روئسای «؟» جدیدی سپری میگردد، اوضاع عمومی، مخصوصاً سیر انکشاف اقتصادی، صنایع و تجارت قوس نزولی را پیموده و اعتبار ملی بالای زعمای موجوده به ترس و بی اعتمادی مفرط از آینده تاریک و نا معلوم، تبدیل گردیده است که بعد از یک و نیم دهه و سیل سرمایه های خارجی، فقر، بی عدالتی، فساد وسیع اداری، فرار مغز های جوان و البته خطرات حملات گروه های دهشت افکن طالب و داعش از هر گوشه و کنار و سوء استفاده آنان از اجتماعات و آنچه در روز مظاهرات اخیر بوقوع پیوست، نمونه ای است از احوال ویران اجتماع امروز افغانی.

باید افزود که در چنین اوضاع درهم و برهمی متأسفانه هموطنان ما از احساسات کار گرفته و هیچ متوجه دستن شرا انداز و کثیفی که از آستین عمال ایرانی بیرون گشته اند نمی گردند و حق و ناحق را در چنین شرایطی تشخیص نمی دهند. بلی ایران در شرا اندازی و تخریب وحدت اقوام و تابعین افغانستان سهم عمده و اساسی دارد که هر گز انکار نمی کنیم.

در حالیکه هنوز گلیم عزاداری آن هموطنانیکه در چنان حمله سخیفانه ای به شهادت رسیدند جمع نگردیده و جراحات و صدمات جسمی و روحی مجروحین حادثه التیامی حاصل ننموده است، خبر تکان دهنده ای از منبع ارگ جمهوری میرسد که در همان حوالی و منطقه «دهمزننگ» که چنین جوی خون سرازیر گردید و آتش در گرفت، یکی از آبدات تاریخی قابل افتخار ملت افغان یعنی منار با شکوه یکی از قهرمانان معرکه جهاد افغان و انگلیس که به نام پر افتخار قهرمان ملی نایب سالار «عبدالوکیل خان نورستانی» برای خدمات غیر قابل تردید ایشان اعمار گردیده بود، به حکم رئیس جمهور «اشرف غنی» به اسم «چوک شهیدان» تغییر می خورد. خبری که بدون شک تعجب و تأثر همگانی را موجب گردیده است، چنین پخش گردیده است:

"محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان، چهارراهی عبدالوکیل خان نایب سالار و یکی از قهرمانان جنگ افغان و انگلیس را در منطقه دهمزننگ کابل بنام "چوک شهیدان" نام گذاری کرد و به شاروالی کابل هدایت داده است که برای نام گذاری این چهار راهی اقدام کند".

چنین خبر و اقدام غیر منتظره ای بدون تردید باعث تعجب و تأثر همگانی گردید که حقیقتاً هیچ علت و انگیزه ای را نمیتوان برای آن سراغ نمود.

در حیات مهاجرت به تناسب تاریخ ملل قدیمه جهان قاره امریکا مختصر ترین و ساده ترین و البته کوتاه ترین تاریخ را حایز می باشد. البته تمدن هایی را که مهاجران اولیه بعد از عبور از آبناهی «بیرنگ» از شمال بحر الکاحل به قسمت های «الاسکا» بوجود آوردند و کتله های سرخ پوستان و تمدن های قدیمی امریکای لاتین را احتواء می نماید، مورد بحث ما نیستند.

در ساحه حوزه واشنگتن، مثلاً در ایالت ورجینیا هر تعمیری که از صد سال قدیمتر باشد تخریب نمی گردد، به ارتباط به این موضوع، دوسال قبل در سرک نزدیک منزل ما یک خانه بسیار کوچک، ویرانه و غیر قابل استفاده

قرار داشت که با پروژه جدید خانه سازی باید منهدم میگردید، ولی نظر به قانون فوق بلدیة شهر فیر فاکس نتوانست امر نابودی آنرا صادر نماید. بالاخره با مشوره اهل محل، خانه بی ارزش، در یک شبی که اهالی برای چند ساعت اجازه خروج از منزل نداشتند، با وسایل مجهز و مصارف گزاف «امانت و سلامت» به یک منطقه امن دولتی انتقال داده شد. یا الله!

ولی در افغانستان که یکی از قدیمترین مدنیت های بشری و زیادترین آثار عهد عتیق را در جهان دارا می باشد، مشاهده می شود که با اینهمه مشکلات حاد و روز افزون اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و صد های دیگر، رئیس جمهور افغانستان امر تغییر اسم یکی از مجاهدین راه آزادی و یکی از قهرمانان معركة استقلال کشور را بدون صلاح و مشورت با وکلای ملت و افکار عمومی که حرکتیست دیموکرات و پسندیده و واجب، صرف با صلاحیت ارگ نشینی صادر می نماید.

در جریان جنگ های خونین افغانستان و درین ۳۸ سال اخیر به استثنای قصر باشکوه دار الامان، یادگار خدمات صادقانه اعلیحضرت غازی امان الله خان که با راکت پرانی های مسعود - حکمتیار «مخصوصاً که در مسیر حملات مسعود قرار گرفته بود» بر اهالی پایتخت، البته شکست و ریخت آثار بی نظیر موزیم ارزشمند کابل ذریعه طالبان و حرکت سخیف ملا عمر در انهدام بت های بی مثال بامیان، در حقیقت «عمداً» به آبدات تاریخی که دقیقاً به مردم افغانستان متعلق میباشند، تجاوز و یا تغییر اسم و هویتی راجع نگردیده است. البته سرقت و دزدی و قاچاق داشته های قرن ها تاریخ مملکت، ما بحث جداگانه ای است.

متأسفانه در تاریخ نیم قرن بربادی افغانستان، موضوع استفاده گروهی و سیاسی از اسم «شهید» شکل عجیبی را منحیث یک رواج جدید تقلیدی در افغانستان احراز نموده است. در حالیکه از اولین حکومت وابسته به شوروی، یعنی خلق و پرچم در حوالی کودتای منحوس ثور، تا ایندم، ملت مظلوم و بی پناه افغان مورد حملات و کشتار های خونینی قرار دارد که در بدل آن ملیون ها شهید و کشته از خود بر جای گذاشته است.

آیا بخاطر می آورید که هفته فرخنده آزادی افغانستان که نزدیک به تاریخ قتل «احمد شاه مسعود» است، سال هاست که بر ملت تحمیل میگردد که آن روز های افتخار آمیز و شاد رویداد استقلال را به عزا داری بنام «هفته شهید» تجلیل نمایند. چرا؟ برای اینکه وی در ۶۵ هزار کشته پایتخت دست بالا و سهم مستقیم داشته است یا منحیث قهرمان «قتل عام افشار» و پلان تنظیم شده او که خود پشت توپ خانه در بالای کوه آسمایی قرار داشت؟ بیایید بنام آن کشته گان پایتخت وطن تان بنا های یاد بودی اعمار نمایید تا نسل های افغان از آن روزگاران خون و آتش باخبر گردند و عبرت بگیرند.

آیا آن کوچک و بزرگی که در بازار جلال آباد در اثر عمل انتحاری تکه پارچه میگردند، شهید نیستند؟ کشتار های قندز، هلمند، قندهار، بدخشان و قتل متواتر مردم مظلوم کنر ذریعه آ آی اس آی پاکستان ووو... مگر شهدای هر روز و هر هفته را در هر گوشه این سرزمین به خون نشسته بوجود نمی آورد؟ بالاخره، در قبرستان های سراسر مملکت که با بیرق های بیشمار سبز تزئین گردیده است، شهداء نخفته اند؟ پس اجبار تغییر اسم یک منار تاریخی که بنام یک قهرمان آزادی و استقلال در گذشته دوری آباد گردیده و به شهرت رسیده است، به زعم شما آقای غنی چه مفهومی داشته می تواند؟

آیا شما منحیث رئیس دولت افغانستان، نمی توانید که به عوض محو اسم مرحوم «نائب سالار عبد الوکیل خان نورستانی» یکی از قهرمانان کشور تان که چنین نامی را در بدل افتخار جنگ با انگلیس استعمار گر، برای کسب آزادی و استقلال سرزمین خویش «کمایی نموده است»، بنای با عظمتی را از پول های اعمار مجدد سرزمین ویران، در هر جایی که آرزو دارید تعمیر نمایید؟

اگر بعد از حادثه جان گداز مظاهره برای تمدید لین برق آسیای مرکزی از راه «بامیان» تصمیم دارید آیده ای به یاد بود آن جنایت علیه بشریت و افغان کشی نامردانه، اعمار نمایید، میشود گوشه ای از خود پارک در آن منطقه را انتخاب نمایید، نه اینکه اسم یکی از قهرمانان ملی تاریخ افغانستان را از بنای یاد بود وی معدوم نمایید. متأسف هستیم که در مطبوعات کشور تان، درین زمینه چنین تبصره می شود که:

"این تصمیم عجولانه رئیس جمهور شاید بخاطر مصلحت بینی و ضعف مدیریت باشد و یا هم نا آگاهی از تاریخ بنا ها و جا های تاریخی کشور. به اساس قانون نامگذاری جاده ها و جا های مهم، وزارت اطلاعات و فرهنگ کمسیونی دارد تا بعد از بررسی در مورد نامگذاری ها تصمیم گرفته و بعداً شاروالی همان شهر همکاری کند. این تصمیم رئیس جمهور در تضاد با اصول قانون بوده و باعث ازبین رفتن داشته ها و ارزش های تاریخی کشور ما خواهد شد. از مقام ریاست جمهور تقاضا دارم تا در منطقه دیگری از شهر کابل بنای را بسازند و آنرا نامگذاری کنند. من این تصمیم جلالتمآب رئیس جمهور افغانستان را یک تصمیم عجولانه دانسته و خواهان تجدید نظر خواهم بود. دکتر محمد حلیم تنویر."

جناب رئیس جمهور، لطفاً بیاد بیاورید که قصر باشکوه دارالامان، یادگار با عظمت عصر شگوفان امانی که سال های زیادی در تغییر اسم آن کوشش به عمل آمد، هرگز و هیچ گاهی اسم اصلی خویش را از دست نداد. باور بفرمایید که اگر خدای نکرده شما رئیس دولت افغانستان، از چنین تصمیم بی مفادی در تغییر اسم منار یادگار یکی از خدمت گاران صدیق تاریخ و مجاهدین نامدار معرکه استقلال وطن، منصرف نگردید و خدای نکرده قبول نفرمایید که ضرر را از هر جا بگیرید، منفعت است، «منار نائب سالار عبد الوکیل خان» تا ابد الابد به نام نیک و ی باقی خواهد ماند... کابلیان باز هم به عنوان نشانی منطقه «منار عبد الوکیل خان» را استعمال نموده و کلینر سرویس مسافری را در حصه «منار عبدالوکیل خان» پیاده می نماید و موتر ران تکسی هم چنان. باور بفرمایید، آقای رئیس جمهور.

حال برای معلومات هم وطنان، مختصراً بیان میداریم که این قهرمان شجاعت و مبارز راه آزادی کشور که آبدۀ زیبای شش رخ به اسم افتخار آمیز شان با عظمت یک بنای نامدار تاریخ کشور، در چهار راهی بریکوت، سال هاست که پا بر جا بوده و معرف پیروزی و استقلال کشور به مقابل ابر قدرت استعماری زمان، بریتانیای کبیر است، کی بوده است.

مختصر سوانح مرحوم نائب سالار عبدالوکیل خان نورستانی:

"عبدالوکیل خان نورستانی در سال ۱۲۵۴ هجری شمسی (۱۸۷۵ م) در قریه کانتیوای نورستان تولد شده است. در دوران حکومت امیر عبدالرحمن خان در قطعۀ توپچی گارد شاهی ایفای وظیفه مینمود. در دوران حکومت امیر حبیب الله خان به رتبه کرنیلی یا کنیک مشری ارتقا یافته در قطعۀ "اردلان حضور" به کار آغاز نمود، و در سال ۱۲۹۰ به رتبه غوند مشری بحیث قوماندان آن قطعۀ ارتقا یافت. دو سال بعد به حیث قوماندان عسکری ولایت قندهار تعیین شد و به اثر فعالیت در خاموش ساختن قیام مردم قندهار به اخذ مدال صداقت مؤفق گردید. در سال ۱۲۹۴ دوباره به کابل خواسته شد. نخست بحیث قوماندان لوای دوم و بعداً به حیث قوماندان کوتوالی کابل مصروف وظیفه بودند.

عبدالوکیل خان نورستانی بعد از کشته شدن امیر حبیب الله خان به رتبه جنرالی رسیده ، بعداً بحیث قوماندان لوای دوم کابل و بعد از آن بحیث قوماندان "قوای سرحدی اسمار" تعیین شد و در جبهه چهارم جنگ استرداد استقلال افغانستان (جبهه چترال و ارنوی) شرکت نموده رشادت بخرچ داد. جنرال عبدالوکیل خان نورستانی به اثر خدمات شایانی که در اردو انجام داد، در سال ۱۲۱۹ هجری شمسی برابر با ۱۹۲۰ میلادی به حیث قوماندان فرقه اول پیاده مرکز تعیین شد. وی بعد از انجام دادن خدماتی در جنگ منگل و اغتشاش ملای لنگ در سال ۱۳۰۴ به رتبه نایب سالاری رسید و به حیث قوماندان عسکری قطغن و بدخشان مقرر شد. نایب سالار عبدالوکیل خان نورستانی در دوران زمامداری محمد نادر شاه (۱۳۰۸ شمسی) باحفظ رتبه و حیثیت قبلی برای تأمین امنیت شمالی (پروان) به حیث قوماندان قول اردوی دوم کابل تعیین شد. وی در ماه سرطان سال ۱۳۰۹ برای بار دوم با یک کنیک عسکر عازم کوهدامن شد و به تاریخ چهارم ماه اسد همان سال حین اجرای وظیفه سالار عبد الوکیل خان نورستانی که در سال ۱۳۰۹ هس مطابق به ۱۹۳۰ م درباغ عارف کوهدامن شهید شد و جنازه نامبرده از سرای خواجه به کابل انتقال و در تپه مرنجان با احترام کامل به خاک سپرده شد، و به پاس خدمات ملی شان یک منار یادگاری در منطقه دهمزنگ اعمار گردید. نقل از قسمتی از مضمون آقای حلیم تنویر – وبسایت نعیمی".

در پایان این مبحث، امیدواریم وکلای ولسی جرگه و مشرانو جرگه و مخصوصاً وکلای ولایت نورستان در هردو مجلس شورای مردم افغانستان، برای جلوگیری چنین یک اقدام بی دلیل، صدای حق بلند نموده و از چنین تغییر غیر ضروری در مورد داشته ها و افتخارات تاریخی افغانستان عزیز و جانبازان راه حق و آزادی این خطه پاک جلوگیری به عمل آورند.

پایان